

درس مهم

دریادلان صف شکن

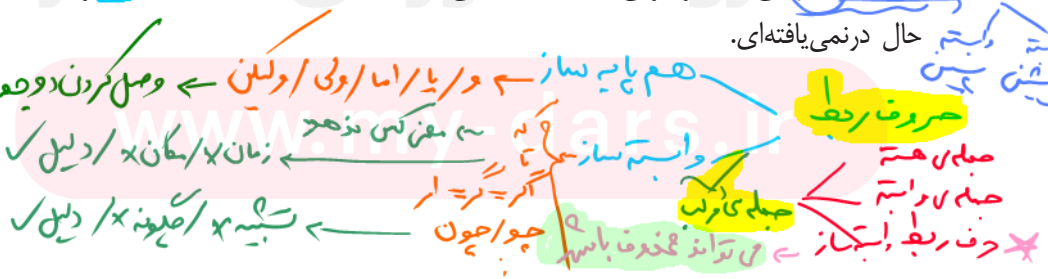
غروب روز بیستم بهمن ۱۳۶۴ حاشیهٔ ارون درود

غروب نزدیک می شود و تو گویی تقدیر تاریخی زمین در حاشیهٔ ارون درود جاری می گردد و مگر به راستی جز این است؟ تاریخ، مشیت باری تعالی است که از طریق انسان ها به انجام می رسد و تاریخ فردای کرهٔ زمین به وسیلهٔ این جوانان تحقق می یابد؛ همین بچه هایی که اکنون در حاشیهٔ ارون درود گرد آمده اند و با اشتیاق منتظر شب هستند تا به قلب دشمن بتازند. **وایه تعمر** **ایحام**

بچه ها، آماده و مسلح، با کوله پشتی و پتو و جلیقه های نجات، در میان نخلستان های حاشیهٔ ارون درود، آخرین ساعات روز را به سوی پایان خوش انتظار طی می کنند. بعضی ها وضو می گیرند و بعضی دیگر پیشانی بندهایی را که رویشان نوشته اند «زائران کربلا» بر پیشانی می بندند. بعضی دیگر از بچه ها گوشه خلوتی یافته اند و گذشتهٔ خویش را با وسواس یک قاضی می کاوند و سراپای زندگی خویش را محاسبه می کنند و وصیت نامه می نویسند: «حق الله را خدا می بخشد اما وای از حق الناس!» و تو به ناگاه دلت می لرزد: آیا وصیت نامه ها را تنظیم کرده ای؟

از یک طرف، بچه های مهندسی جهاد، آخرین کارهای مانده را راست و ریس می کنند و از طرف دیگر سکان دارها قایق هایشان را می شویند و با دقتی عجیب همه چیز را وارسی می کنند... راستی تو طرز استفاده از ماسک را بلدی؟ وسایل سنگین راه سازی را بار شناورها کرده اند تا به محض شکستن خطوط مقدم دشمن، آنها را به آن سوی رودخانهٔ ارون حمل کنند و بچه ها نیز همان بچه های صمیمی و بی تکلف و متواضع و ساده ای هستند که همیشه در مسجد و نماز جمعه و محل کارت و اینجا و آنجا می بینی... اما در اینجا و در این ساعات، همهٔ چیزهای معمولی حقیقتی دیگر می یابند. تو گویی اشیا گنجینه هایی از رازهای شگفت خلقت هستند، اما تو تا به حال در نمی یافته ای.

خود صابی
رایه / اما / اولی / اولین
هم پایه ساز
تاسه رکب ساز
مغز زبان، مکان
نباید بدود
وقت افانم
ستم



ذی‌الربیع

ربیع‌الثانی

اینجا سوله‌ای است که گردان عبدالله آخرین لحظات قبل از شروع عملیات را در آن می‌گذرانند. اینها که یکدیگر را در آغوش گرفته‌اند و اشک می‌ریزند، در یادلان صف شکنی هستند که دل شیطان را از رعب و وحشت می‌لرزاند و در برابر قوه الهی آنان هیچ قدرتی یارای ایستایی ندارد. ساعتی بیش به شروع حمله نمانده است و اینجا آینه تجلی همه تاریخ است. چه می‌جویی؟ عشق؟ همین جاست. چه می‌جویی؟ انسان؟ اینجا جاست. همه تاریخ اینجا حاضر است؛ بدر و حنین و عاشورا اینجا جاست.

ربیع‌الثانی

ربیع‌الثانی

ربیع‌الثانی

صبح روز بیست و یکم بهمن ماه کناره اروند هنوز فضا از نم باران آکنده است، اما آفتاب فتح در آسمان سینه مؤمنین درخششی عجیب دارد. دیشب در همان ساعات اولیه عملیات، خطوط دفاعی دشمن یکسره فرو ریخت. پیش از همه غواص‌ها در سکوت شب، بعد از خواندن دعای فرج و توسل به حضرت زهرا (س)، به آب زدند و خط را گشودند و آن‌گاه خیل قایق‌ها و شناورها به آن سوی اروند روان شدند. صف طولی رزمندگان تازه نفس، با آرامش و اطمینانی که حاصل ایمان است، وسعت جبهه فتح را به سوی فتوحات آینده طی می‌کنند و خود را به خط مقدم می‌رسانند. گاه به گاه گروهی از خط شکن‌ها را می‌بینی که فاتحانه اما با همان تواضع و سادگی همیشگی، بی‌غرور، بعد از شبی پرحادثه باز می‌گردند، و به راستی چقدر شگفت‌آور است که انسان در متن عظیم‌ترین تحولات تاریخ جهان و در میان سردمداران این تحول زندگی کند و از نسیان و غفلت، هرگز در نیابد که در کجا و در چه زمانی زیست می‌کند.

الا بذر الله
تضمن العلو

هم‌پایین

جزیر صحرایی

جزیره

آنها با اشتیاق از بین‌گویی ولایی که حاصل جزر و مد آب «خور» است، خود را به قایق‌ها می‌رسانند و ساحل را به سوی جبهه‌های فتح ترک می‌کنند. طلبه جوانی با یک بلندگوی دستی، همچون وجدان جمع، فضای نفوس را با یاد خدا معطر می‌کند و دائم از بچه‌ها صلوات می‌گیرد. دشمن در برابر ایمان جنود خدا متکی به ماشین پیچیده جنگ است. از همان نخستین ساعات فتح، هواپیماهای دشمن در پی تلافی شکست بر می‌آیند؛ حال آنکه در معرکه قلوب مجاهدان خدا، آرامشی که حاصل ایمان است، حکومت دارد. دشمن حیرت‌زده است که چگونه ممکن است کسی از مرگ نهراسد؟! کجا از مرگ می‌هراسد آن کس که به جاودانگی روح خویش در جوار رحمت حق

آگاه است؟ و این چنین اگر یک دست تو نیز هدیه راه خدا شود، باز هم با آن دست دیگری که باقی است، به جبهه‌ها می‌شتابی. وقتی «اسوه» تو آن «تمثیل وفاداری»، عباس بن علی (ع) باشد، چه باک اگر هر دو دست تو نیز هدیه راه خدا شود؟ اینها که نوشته‌ام، وصف حال رزمنده‌ای است که با یک دست و یک آستین خالی، در کنار «خور» ایستاده است. تفنگ دوربین‌دارش نشان می‌دهد که تک تیرانداز است و آن آستین خالی‌اش، که با باد این سوی و آن سوی می‌شود، نشانه مردانگی است و اینکه او به عهدی که با ابوالفضل (ع) بسته، وفادار است. چیست آن عهد؟:

«مبادا امام را تنها بگذاری!»

در خط، درگیری با دشمن ادامه دارد. دشمن، برده ماشین است و تو ماشین را در خدمت ایمان کشیده‌ای.

در زیر آن آتش شدید، بولدورزچی جهاد خاکریز می‌زند. بر کوهی از آتش نشسته است و کوهی از خاک را جا به جا می‌کند و معنای خاکریز هم آن گاه نفهیم می‌شود که در میان یک دشت باز گرفتار آتش دشمن باشی. یک رزمنده روستایی فریمانی در میان خاک نشسته است و با یک بیل دستی برای خود سنگری می‌سازد. آنها چه انسی با خاک گرفته‌اند و خاک، مظهر فقر مخلوق در برابر غنای خالق است. معنای آنکه در نماز پیشانی بر خاک می‌گذاری، همین است و تا با خاک انس گیری، راهی به مراتب قرب نداری. برو به آنها سلام کن؛ دستشان را بفشار و بر شانه پهنشان بوسه بزن. آنها مجاهدان راه خدا و علم‌داران آن تحوّل عظیمی هستند که انسان امروز را از بنیان تغییر می‌دهد. آنها تاریخ آینده بشریت را می‌سازند و آینده بشریت، آینده الهی است.

مسئله

تفکر

درس ۱۳

علم : پریم ، بیریق ، درمیش
آلم : غم ، اندره

عوت به
تواضع

مرتضی آوینی، به نقل از مجله ادبیات داستانی

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ پنج گروه کلمه مهمّ املائی از متن درس بیابید و بنویسید.

۲ مترادف واژه‌های زیر را از متن درس بیابید.

■ فراموشی (.....**نیان**.....)

■ ریا و صمیمی (.....**بک تلف**.....)

۳ به جمله‌های زیر توجه کنید.

الف) خطوط دفاعی دشمن یکسره فروریخت.

ب) اینها دریادلان صف شکنی هستند که دل شیطان را از رُعب و وحشت می لرزانند.

به جمله اول که یک فعل دارد، «ساده» و به جمله دوم، که بیش از یک فعل دارد، «مرکب» می گویند.

جمله «ب»، شامل دو جمله است که از نظر معنایی به یکدیگر وابسته‌اند؛ به طوری که یکی از جمله‌ها بدون دیگری ناقص است:

جمله مرکب، معمولاً از یک جمله پایه (هسته) و یک یا چند جمله پیرو (وابسته)

تشکیل می شود؛ بخشی که پیوند وابسته ساز ندارد، پایه است.

پیوندهای وابسته ساز عبارت‌اند از: «که، تا، چون، اگر، زیرا، برای، اینکه، به طوری که، هنگامی که...»

جمله «ب» را از این دید بررسی می کنیم:

- جمله پایه یا هسته: اینها دریادلان صف شکنی هستند.

- جمله پیرو یا وابسته: (_____ که) دل شیطان را از رعب یا وحشت می لرزانند.
پیوند وابسته ساز

■ حال از متن درس برای هر یک از انواع جمله، نمونه‌ای بیابید و بنویسید.

قلمرو ادبی

۱ هر قسمت مشخص شده، در بردارنده کدام آرایه ادبی است؟
حسرت نبرم به خواب آن مرداب / کآرام درون دشت شب خفته است
جانم می‌توب / مردم بی‌مروت

نکوهس نظم نوری
مفعول

۲ در عبارت زیر، ارکان هر تشبیه را مشخص کنید.

«آفتاب فتح در آسمان سینه مؤمنین درخششی عجیب دارد.»

لحمه مقبه بلبه شب

قلمرو فکری

۱ نویسنده در کدام جمله، از مفهوم آیه «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْهُوبُ» (سوره رعد، آیه ۲۸) بهره گرفته است؟
در معرده‌های تکوب مجاهدان - -

۲ درباره ارتباط محتوایی متن «دریادلان صف شکن» و این سروده شفیعی کدکنی توضیح دهید.

حسرت نبرم به خواب آن مرداب
دریا هم نیست باکم از طوفان
کآرام درون دشت شب خفته است
دریا همه عمر خوابش آشفته است

نکوهس نظم نوری
سبب و سبب

۳ چرا نویسنده معتقد است که «همه تاریخ اینجا (جبهه) حاضر است؛ بدر و حنین و عاشورا اینجا است.»؟

۴

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

شیخ یک بار به طوس رسید. مردمان از شیخ استدعای مجلس کردند. اجابت کرد.

بامداد در خانقاه، تخت بنهادند. مردم می آمدند و می نشستند. چون شیخ بیرون آمد، مُقریان، قرآن برخواندند و مردم بسیار درآمدند. چنانکه هیچ جای نبود.

معزف بر پای خاست و گفت: «خدایش بیامرزاد که هر کسی از آنجا که هست، یک گام، فراتر آید.»

شیخ گفت: «وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

آلِهِ أَجْمَعِينَ»؛ و دست به روی فرو آورد و

گفت: «هر چه ما خواستیم گفت، و همه

پیغمبران بگفته اند؛ او بگفت که از آنچه

هستید، یک قدم فراتر آید.» کلمه ای

نگفت و از تخت فرو آمد و بر این ختم

کرد مجلس را.



اسرار التوحید، محمد بن منور

منورا

روانما رشتی عصر

www.my-dars.ir

دعوت به
کمال و رستگاری